

بازتاب فدک در کتاب های تاریخ اسلام ایران (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷.۵۱ ش)

ظریفه میر^۱؛ فریناز هوشیار^۲؛ سهیلا ترابی فارسانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۵

چکیده

فدک زمینی وسیع با کشاورزی حاصلخیز و چشمه های پر آب بود که پس از شکست خیبر، یهودیان آن را بدون مقاومت و با پیمان صلحی مشابه پیمان خیبر، تسلیم پیامبر(ص) نمودند. چون فدک بدون جنگ فتح شده بود، نصف درآمد آن «خالصه» رسول خدا گشت، و تا روز رحلت پیامبر (ص) در اختیار حضرت فاطمه (س) قرار داشت. پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، ابوبکر از واگذاری زمین مذکور خودداری کرد و بر سر مالکیت فدک اختلاف به وجود آمد.

با توجه به نگارش کتاب های متعدد تاریخ اسلام در ایران، در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و در پاسخ به این پرسش که پژوهشگران ایرانی تاریخ اسلام چگونه به موضوع فدک نگرسته اند؟ کوشیده شده با در نظر داشتن چگونگی بازتاب موضوع فدک در کتاب های تاریخ اسلام، دیدگاه نویسندگان کتاب های یاد شده مورد بررسی قرار داده شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد، موضوع فدک تنها در ده درصد کتاب های تاریخ اسلام هیچ گونه اشاره ای نشده است. در ۷۰ درصد پژوهش ها به تفصیل و در ۲۰ درصد به صورت گذرا بازتاب یافته اند. فدک غالباً با نگرش های شیعی و از دیدگاههای سیاسی، اقتصادی و با

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Zarefem2020@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده

مسئول). Hooshyar_farinaz@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. Stfarsani1963@gmail.com

محوریت ارث و استدلال حقانیت و مالکیت حضرت فاطمه(س) نسبت به فدک در کتاب های تاریخ اسلام که بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ به رشته تحریر در آمده مورد بررسی قرار داده شده است .

کلمات کلیدی: فدک ، تاریخ نگاران ایرانی ، اسلام، خلفا، فاطمه زهرا(س).

مقدمه

فدک زمینی بوده که از سوی رسول خدا(ص) به دخترش فاطمه (س) داده شد و در ابتدای خلافت ابوبکر از ایشان باز پس گرفته شد. از نظر شیعیان گرفتن فدک از سوی ابوبکر دارای ابعاد سیاسی و اقتصادی بود به طوری که بحث ارثیه فاطمه (س)، نیز نادیده گرفته شده است.

گرچه اهل تسنن این اقدام خلیفه اول را در جهت مصالح مسلمانان دانسته اند ولی شیعیان معتقدند این موضوع دارای ابعاد مهمی است، زیرا علاوه بر غصب حق حضرت فاطمه(س)، منجر به جلوگیری از رسیدن امام علی(ع) به خلافت و ایجاد شکاف و فساد در جامعه اسلامی نیز شد. از این رو موضوع فدک در کتاب های تاریخ اسلام که توسط پژوهشگران نگارش یافته است بازتاب پر رنگی یافته است . باتوجه به این مهم که در دوران معاصر، نویسندگان ایرانی کتاب های تاریخ اسلام زیادی نگاشته اند واز آنجا که بازتاب موضوع فدک در پژوهش هایی که در ۴ دهه اخیر نگاشته شده ، نیاز به بررسی مستقل دارد ، پژوهش حاضر به این مهم می پردازد.

در این مقاله می کوشیم با روش کتابخانه ای ، توصیفی- تحلیلی، چگونگی دیدگاه نویسندگان کتاب های تاریخ صدر اسلام جهت بازنمایی اهمیت ، طرح منطقی و مستدل موضوع فدک را شرح دهیم وهدف بررسی آن از زوایای گوناگون و همه جانبه در آثار نویسندگان است.

در گذشته پژوهش هایی درمورد موضوع فدک انجام شده است، همچون کتاب «فدک در فراز و نشیب» از علی حسینی میلانی(۱۳۸۶)، که در آن ارتباط ماجرای فدک با امامت و نگاه فاطمه (س) به غاصبین فدک را بررسی نموده این کتاب در واقع پژوهشی در پاسخ به یک دانشور سنی است. کتاب «فدک در تاریخ» از محمدباقر صدر(۱۳۶۰)، گفت و گوهای فاطمه(س) با خلیفه اول درمورد فدک، موقعیت جغرافیایی و سیاسی فدک و میراث انبیاء را به رشته تحریر در آورد است. مقالاتی چون «واکاوی اعتبارسنجی خطبه فدکیه در سنجه معیارهای فریقین» از فاطمه ژیان (۱۳۹۸)، بیشتر به خطبه

فدکیه پرداخته است، مسئله جانشینی پیامبر(ص) و وجود انحراف ها در جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر(ص) را بررسی نموده است. روح الله صیادی نژاد و کاظم باصری(۱۳۹۷)، نیز در مقاله «تحلیل گزاره های پرسشی خطبه فدکیه براساس نظریه سرل»، خطبه فدکیه ی فاطمه (س) را از نظر گزاره های پرسشی مورد بررسی قرار داده و مشخص نموده اند که از ۳۱ گزاره پرسشی در این خطبه، تعداد ۲۲ کنش عاطفی و ۹ کنش آن ترغیبی است.

در این مقاله ماجرای فدک در آثار تاریخ نگاران ایران را از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ هجری شمسی مورد بررسی قرار داده شده است که می تواند تکمیل کننده پژوهش های یاد شده باشد.

اهمیت فدک از آن روست که با موضوع غصب خلافت پیوند دارد، چرا که یکی از مهمترین ابعاد سیاسی فدک، محروم نمودن حضرت علی (ع) از حق خلافت است.

پس از سقیفه و روی کار آمدن ابوبکر و محروم ساختن علی (ع) از خلافت، دستگاه خلافت با بهره برداری سیاسی و روانی و مصادره اموال پیامبر(ص) از جمله فدک که نزد امام علی (ع) بود، علاوه بر فشار اقتصادی از لحاظ سیاسی نیز اهل بیت(ع) را تحت فشار قرار داد.

کلیاتی پیرامون فدک

فدک دهکده کوچکی در زمین حاصل خیزی بود که در جنوب شرقی مدینه و در نزدیکی های خیبر، قرار داشت. فاصله فدک تا مدینه دو روز بوده است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۴، ۲۳۸) با توجه به هوای گرم مکه و مدینه، فدک از هوایی ملایم برخوردار بود. آبادی های پراکنده، چشمه سارها و قنات ها و نخل های فراوانی داشت. عده ای درآمد آن را سالیانه تا دوازده هزار دینار و بعضی بیشتر ذکر کرده و مجموع عایدات سرتاسری آن را از بیست و چهار تا هفتاد هزار دینار طلا نقل کرده اند. بنا به گفته واقدی «نیمی از بهای فدک در زمان خلیفه دوم (عمر) معادل ۵۰ هزار درهم بوده است». (واقدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ۵۳۹) لذا محصولات آن ثروت قابل ملاحظه ای را تشکیل می داد.

فاصله فدک تا مدینه با وسایل آن زمان که اسب، استر و یا شتر بود که هر روز می توانستند حد اکثر ۷۰ کیلومتر راه طی کنند، حدود ۱۴۰ کیلومتر بوده است. عمده تولیدات فدک خرما بوده و اگر جو یا گندمی تولید می شده قابل توجه و ملاحظه نبوده است. محصول سالیانه فدک بین ۲۴ تا ۷۰ هزار دینار بود است، زیرا همانگونه که گفتیم، عمده محصولات فدک خرما بوده و نخل خرما درختی است پر محصول که یک سال خوب ثمر می دهد و سال بعد حدود یک سوم محصول سال قبل بار

می آورد. (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۵۳۹) فدک تا دوره عباسیان آبادان بوده، به عللی که معلوم نیست به تدریج ویران گردید.

در سال ششم هجرت صلح خدیبه رخ داد و آغاز سال هفتم هجری فرمان جنگ خیبر صادر گردید و مسلمانان به طرف قلاع خیبر حرکت کردند و پس از ۲۵ روز پرچم فتح و پیروزی به دست علی (ع) افتاد. یهودیان که شکست قطعی خود را دیدند، نماینده ای خدمت رسول خدا (ص) فرستادند و قریه فدک را به پیشوای اسلام هدیه کردند. (ابن هشام، ج ۲، ۱۳۷۵: ۲۲۳-۲۳۱/۵) در این زمان یهود با مشاهده پیروزی های روزافزون مسلمانان، در مقابل پیامبر اسلام (ص) احساس ناتوانی کرد و برای نجات خود از در صلح درآمدند و اقدام به پرداخت هدایایی به پیامبر اسلام (ص) نمودند. بلاذری می نویسد: «گویند که رسول الله (ص) در بازگشت از خیبر، محیصه بن مسعود انصاری را نزد اهل فدک فرستاد و ایشان را به اسلام دعوت کرد. رئیس آنان مردی بود که به وی یوشع بن نون یهودی می گفتند، پس ایشان با رسول الله صلح کردند. بر این اساس که نصف خاک فدک را به وی دهند، و این از آنان پذیرفته شد و بدین سان نیمی از فدک خالصه رسول الله گردید، زیرا که مسلمانان به خاطر آن اسبی واشتری نتاخته بودند». (بلاذری، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴۴)

بلاذری را می توان جزء آن دسته از مورخان دانست که در موضوع فدک خالصه بودن آن را مطرح نموده و با آوردن شواهد تاریخی این مطلب را به اثبات می رساند. مورخان چون واقعی دست یافتن پیامبر خدا (ص) بر فدک را از طریق صلح، به علت بیم یهود از جانب مسلمانان می دانند. ابن هشام این ملک را مخصوص پیامبر (ص) می داند، تا هرگونه خود می داند تصمیم بگیرد. «فدک مخصوص پیامبر اسلام و بدون جنگ تسلیم او شد. پیشوای اسلام هرگونه تصرفی در املاک خود بنماید مختار است». (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۴۱/۵)

چون در این مصالحه سربازان اسلام شرکت نداشتند و از قوه قهریه استفاده نشد، لذا طبق این آیه که: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (سوره الحشر، آیه ۷) یعنی: «آن غنیمتی که خدا از مردم قریه ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خدا و پیامبر (ص) و یتیمان و مسکینان و مسافران و در راه ماندگان است، تا میان توانگراتان دست به دست نگرند. هرچه را که پیامبر (ص) به شما داد، بستانید و هر آنچه را که منع

کرد، دوری گزینید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است». فدک ملک مطلق رسول خدا(ص) شد و در این مورد میان علمای فریقین اختلافی نیست.

رسول خدا (ص) تا مدتی درآمد حاصله آن را در میان مستمندان بنی هاشم تقسیم می نمود. اما با نزول آیه سی و هشتم از سوره روم: فَأَتَى الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَاولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. یعنی «رسول ما حق ذی القربى و مسکینان و در راه ماندگان را از مالی که در دست توست ادا کن که صله رحم و احسان به فقیران برای آنان که مشتاق لقای خداوند هستند، بهترین کار است و همینان رستگاران عالمند».

فدک تا روز رحلت پیامبر (ص) در اختیار فاطمه (س) قرار داشت، ولی پس از رحلت پیامبر اسلام(ص)، ابوبکر کارگران حضرت فاطمه را بیرون کرد. فاطمه(س) به ابوبکر گفت: «رسول الله فدک را برای من قرار داد. پس آن را به من واگذار و علی بن ابی طالب بر این معنی گواهی داد ولی ابوبکر از او بیخه خواست». (بلاذری، ۱۳۳۷، ج ۱: ۴۷-۴۶) خلیفه اول پس از رسیدن به قدرت در اولین فرصت فدک را از دختر پیامبر اسلام(ص) گرفت. یعقوبی می نویسد: «فاطمه دختر پیامبر خدا نزد ابوبکر آمد و میراث خود از پدرش را خواستار گردید، پس باو گفت: پیامبر خدا گفته است: انا معشر الانبیاء ولانورث ما ترکنا صدقه. ما گروه پیغمبران میراث نمی دهیم آنچه بجای می گذاریم صدقه است. پس گفت: فی الله ان ترث اباک ولا ارث ابی، قال رسول الله المرء یحفظ فی ولده؟ آیا حکم خداست که تو از پدرت میراث بری ومن از پدرم میراث نبرم». (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱). ابوبکر به بهانه این که پیامبران میراث نمی گذارند هرچه از پیامبر اسلام (ص) مانده صدقه است، فدک را جزو اموال عمومی اعلام کرد. بدین جهت فاطمه(س) از ابوبکر رنجید و تا زنده بود با او سخن نگفت و چون درگذشت علی(ع) او را در شبانه دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۳۳۵-۱۳۳۴) کشاکش سیاسی بر سر فدک و دست به دست گردیدن آن در زمان خلفای راشدین، بنی امیه، و بنی مروان و بنی عباس، ادامه یافت و مباحث گوناگونی در این زمینه مطرح گردید.

بازتاب فدک در کتاب های تاریخ اسلام

پژوهشگران تاریخ اسلام موضوع فدک را با دو دیدگاه اصلی سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار داده و به تحلیل مباحثی چون نحوه فتح، ارث، غصب فدک، موضوع ولایت مسلمین، حقانیت حضرت فاطمه (س) و محروم نمودن شیعیان و طرفداران حضرت علی (ع) پرداخته اند.

فدک از دیدگاه ارث

مووئی بودن زمین فدک همواره مورد تاکید تاریخ نگاران شیعه قرار داشته است و کوشیده اند در پژوهش های خود جهت اثبات دیدگاه موروثی بودن فدک در برابر صدقه بودن آن دلایلی ارائه نمایند. از مهمترین دلایلی که نشان می دهد زمین فدک در مالکیت پیامبر (ص) قرار داشته است نحوه تصرف آن است. بیشتر محدثان و سیره نویسان اتفاق نظر دارند که، فدک از جمله املاک خالصه پیامبر (ص) بود، زیرا هرگز به جنگ و غلبه فتح نشد. طبق آیه ششم و هفتم سوره حشر اموالی را که بدون جنگ به دست آید فیء نامیده می شود و پیامبر می تواند اختیار آن را به کسانی که خود صلاح می داند بسپارد.

در کتاب های تاریخ اسلام به این مهم اشاره شده است، مهدی پیشوایی در کتاب خود به خالصه بودن فدک می پردازد: «پس از شکست خیبریان، یهودیان فدک بدون مقاومت تسلیم وبا پیامبر (ص) پیمان صلحی مشابه پیمان خیبریان بستند. چون فدک بدون جنگ فتح شده بود، نصف در آمد آن «خالصه» رسول خدا (ص) گشت» (پیشوایی، ۱۳۹۲: ۲۷۸) در باب خالصه بودن باید به این نکته توجه شود که ملک خالصه فقط در اختیار صاحبش قرار می گیرد و کسی حق تملک در آن ندارد.

مکارم شیرازی معتقد است: «فدک خالصه رسول خدا بوده زیرا بعد از فتح خیبر، یهودیان خیبر کسی را نزد پیامبر (ص) فرستادند وبا او صلح کردند و در برابر نیمی از فدک را به آن حضرت واگذار کردند. به این ترتیب فدک خالصه رسول الله (ص) شد زیرا طبق صریح قرآن مجید چیزی که به دست مسلمین بدون جنگ بیافتد. منحصرًا حق پیامبر (ص) است و بصورت غنایم جنگی تقسیم نمی شود. این سخن را طبری نیز در تاریخ خود و ابن اثیر نیز در کتاب کامل به آن اشاره کرده اند». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۰/۱۰۸) منتظرالقائم نیز ضمن اشاره به چگونگی فتح خیبر آن را سهم پیامبر می داند: «پس از فتح خیبر و مصالحه با آنان، رؤسای فدک، یکی از قلاع نزدیک خیبر با وساطت یکی از مسلمانان به حضور رسول الله (ص) رسیدند و به همان قرار اهالی خیبر با رسول الله (ص) مصالحه کردند؛ با این تفاوت که چون خیبر با لشکر کشی و جنگ تسلیم شدند همه مسلمانان شرکت کننده در آن سهم پیدا کردند ولی فدک جزو خالصه رسول خدا (ص) در آمد». (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۷/۲۰۶)

یعقوب جعفری در کتاب تاریخ اسلام از منظر قرآن می نویسد: «فدک سرزمینی است که بدون درگیری نظامی به دست پیامبر (ص) افتاد، به شخص پیامبر (ص) اختصاص یافت، تا آنگونه که بخواهد درباره آن تصمیم بگیرد». (جعفری، ۱۳۹۱: ۶/۲۵۳)

از دیگر مستندات که برخی از نویسندگان جهت موروثی بودن زمین فدک در برابر روایت ابوبکر ارائه کرده اند آیات قرآن در مورد ارثیه است. بدیهی است که هر چه بر خلاف کتاب خدا باشد، به طور حتم و ضرورت مردود است، زیرا حقیقت معنای میراث در لغت و در شرع عبارت است از انتقال آن چه که از ارث گذارنده برجای مانده است، به وارثان او بعد فوتش - چه ملک باشد چه حق - آن هم، مطابق با حکم الهی که در فقه بیان شده است.

همان طور که در سوره مریم، آیات پنجم و ششم قرآن آمده زکریا (ع) می گوید: بارالها من بیمناکم، مبادا پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشد، خدایا از لطف خاص خود فرزندی صالح به من عطا فرما که او وارث من و همه آل یعقوب باشد. این سخن قرآن از سوی پژوهشگران تاریخ اسلام مورد توجه قرار گرفته و آنان با استناد به این آیه، در این زمینه به بحث و بررسی در مورد میراث پیامبر اسلام (ص) پرداخته اند.

حسینی میلانی در بحث ارثیه فدک می نویسد: «روشن است که حمل کردن این موضوع بر نبوت و علم خلاف ظاهر است، چرا که نبوت از اموری نیست که بتوان آن را از خداوند طلب کرد، زیرا نبوت به انتخاب و گزینش الهی است و هیچ فردی در آن نقشی ندارد و درخواست و طلب هیچ فردی نیز در آن اثری نخواهد گذاشت. فراتر این که در آیات قرآن قرینه های متعددی وجود دارد که تأکید می کند که مقصود از میراث، مال و دارایی است نه نبوت و علم». (حسینی میلانی، ۱۳۸۶: ۴۲) میلانی در کتاب خود در بحث ارثیه فاطمه (س) دعایی که زکریا (ع) برای وارث خود می کند را مد نظر قرار داده و معتقد است که منظور از میراث مال و دارایی بوده نه نبوت.

رضایی نیز در مورد موروثی بودن فدک، حدیث نقل شده از پیامبر (ص) را بررسی کرده و چنین آورده است: «وقتی ابوبکر به خلافت رسید در نخستین اقدام خود فدک را مصادره کرد و آن را از بیت المال مسلمانان دانست و وی با استناد به حدیثی ساختگی که فقط خود ناقل آن بود گفت: «پیامبران از خود ارثی برجای نمی گذارند و اموالی که از آنان باقی می ماند صدقه است» ولی فاطمه طی چند سخنرانی عمومی در جمع مهاجرین و انصار و در حضور ابوبکر، با رد صحت چنین حدیثی آن را مخالف آیات قرآنی خواند که در باره ارث، سلیمان از داوود و یعقوب از زکریا سخن گفته اند». (رضایی، ۱۳۹۲: ۶۶) طبق نظر قرآن، پیامبران پیشین همچون زکریا و داود، وارث داشته اند، پس دلیلی برای این که پیامبر اسلام (ص) بدون وارث بماند وجود ندارد.

چلونگر وعباسی صحت حدیث نقل شده از سوی ابوبکر را مورد تردید قرار داده اند: « غیر از عمر و عثمان و مالک بن اوس بن حدّان، هیچ کس؛ اعم از مهاجر و انصار، ادعای ارث نگذاشتن پیامبران را تأیید نکردند. عمر می گوید: خلیفه اول این حدیث را به من گفت و سوگند یاد کرد که راستگوست، و از پیامبر خدا (ص) شنیده است که پیامبر (ص) ارث نمی گذارد. و میراث او در میان فقرا و مساکین است. مقصود از نقل این حدیث، شهادت و گواهی عمر بر این نکته است که حدیث را عمر از ابوبکر شنیده است نه از دیگران». (چلونگر وعباسی، ۱۳۹۶: ۱۳۱-۱۳۲)

ابوبکر در مجادله با زهرا (س) به روایتی از رسول الله (ص) استدلال کرد که: «إنا معاشر الانبياء لا نُورث»؛ ما انبیا از خود ارثی باقی نمی گذاریم، آنچه از ما باقی می ماند صدقه است، و شهادت شهود زهرا را، علی و ام ایمن را نیز نپذیرفت. چنین می نماید که استناد خلیفه با مستندات تاریخی و قرآنی هماهنگی ندارد، زیرا فدک سهم الله و خالصه رسول الله بود که به دخترش بخشید». (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۷/۲۶۵) و به همین سبب عمر بن عبدالعزیز و مأمون فدک را به خاندان رسول الله (ص) بازگردانیدند. (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۵۴-۳۴۶).

تلاش های فاطمه (س) جهت باز پس گیری فدک، با تاکید بر حق موروثی وی از دیگر دلایلی است که در کتاب های تاریخ اسلام به آن استناد شده است. « خطبه فدک با متن مستدل و شیوا، نمونه گفتمان انتقادی حضرت فاطمه (س) است؛ گفتمانی ماندگار که حضرت (س) در اقدام به احقاق حق خود و باز پس گرفتن ارثی که از آن محروم گشتند، با استناد به آیات و با تکیه بر پیش زمینه های کلامی، فکری، و فرهنگی مخاطبان، بیان فرمود». (روشنفکر و اکبری زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۷) بنا به استدلال عقلی و فقه ای و ارائه اسناد تاریخی و قرآنی اکثر نویسندگان تاریخ اسلام، فدک حق فاطمه (س) بود و نباید گرفته می شد.

شهیدی با اشاره به خطبه فدکیه می نویسد: « فاطمه در این سخنرانی از غصب خلافت گفت و سخن ابوبکر (نحن معاشر الانبياء، لا تورث و ماترکناه صدقه) را تکذیب کرد، که طبق چه قانونی او را از ارث پدر محروم کرده است؟ آیا آیه از قرآن چنین گفته است و سپس او را به دادگاه خداوند در روز رستاخیز واگذار کرد و باران پیامبر را به پرسش گرفت که آنچه آنان (ابوبکر و اطرافیان) کرده اند شکستن سوگند (نکتوا ایمانهم) است و در پایان خطبه، ننگ کار آنان را جاودانی و سرانجام آن را دوزخ خواند». (شهیدی، ۱۳۶۲: ۱۳۵)

در مباحثه بین دستگاه خلافت با فاطمه (س) و شواهدی که فاطمه (س) ارائه داد مشخص شد که، حق با فاطمه (س) است، و این امر باعث اعتراف برخی از خلفای بعدی در دوره های آتیه شد. به همین دلیل در دوران خلفای بعدی مانند عمر بن عبدالعزیز خلیفه خودش فدک را به خاندان رسول خدا (ص) باز می گرداند.

از طرف دیگر می دانیم که خلیفه، خانه ی همسران پیامبر (ص) را، که در زمان حیات آن حضرت در آن ساکن بودند، از آنان بازنگرفت. (صدر، ۱۳۶۰: ۱۴۳) این در حالی بود که اموالی که از پیامبر (ص) در دست فاطمه (س) بود، از اهل بیت (ع) گرفت. حسنی با طرح پرسشهایی موضوع فدک را مطرح کرده و بیان داشته: «نکته ی دیگر این است که اگر فدک، در اختیار و حیزت زهرای صدیقه (ع) بود، اصولاً "بایستی اقامه ی بینه کند؟ در این موضوع، دو سوال مطرح است اولاً: "فدک در حیزت چه کسی بود؟ و آیا به حق در دست زهرا (ع) بود؟ پاسخ این سوال ها را از سخنان علی (ع) می توان دریافت. آن حضرت در نامه خود به عثمان بن حنیف می نویسد: از تمام آنچه آسمان به آن سایه افکنده است، تنها فدک در دست ما بود که گروهی بر آن حرص و حسادت ورزیدند و گروهی نیز بذل و بخشش کردند». (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۶) علی (ع) در نامه خود نقش گروهی از رقیبان را در موضوع فدک برای اطرافیان خود به تصویر کشیده است، و در واقع به نوعی از روند کار حکام زمان خود ناراضی است. از دلایلی که جهت مالکیت این زمین ارائه شده، بخشیدن فدک به فاطمه (س) است. با توجه به آنچه گذشت، پس از نبرد خیبر که فدک از سوی یهود به پیامبر خدا (ص) واگذار شد، رسول خدا (ص) با توجه به این که فاطمه تنها فرزند او بود فدک را به دخترش هدیه داد.

تمامی مسلمانان به فدک، بعنوان هدیه رسول خدا به دخترش می نگرستند. حسنی به مناقشه ای که بین حضرت زهرا (س) و ابوبکر درباره ی نحلّه بودن (بخشش) فدک، پیش آمد، اشاره کرده است. «زهرا (س) می گفت: فدک نحلّه ی پیامبر (ص) است و در اثبات این مدعا، همسر خود علی (ع)، ام ایمن و اسما، شاهد و گواه برای ادعای شهادت آورد، ولی خلیفه، سخن او را نپذیرفت». (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۵۰) باروی کار آمدن ابوبکر گرفتن هدیه ای که پیامبر خدا (ص) به دخترش داده به نوعی ظلم تلقی می شود. و به همین سبب عمر بن عبدالعزیز و مأمون فدک را به خاندان رسول الله (ص) بازگردانیدند. (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۵۴)

از دیگر دلایل مورد استناد نویسندگان جهت اثبات موروثی بودن فدک، اشاره به روایات شاهدان یعنی علی(ع) وام ایمن و اسما است (سیدعلوی، ۱۳۹۰: ۲۸۸-حسنى، ۱۳۸۳: ۳۵۰) «ابوبکر شهادت شهود زهرا را، علی وام ایمن را نیز نپذیرفت.». (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۷/۲۶۵)

علی اکبر حسنى، منتظرالقائم، چلونگر وعباسی اقدام خلیفه را غصب زمین فدک نامیده اند. «ابوبکر برای مشروعیت بخشیدن به غصب فدک و برخی دیگر از اموالی که پیامبر(ص) به فاطمه بخشیده بود به روایت "نحن معاشر الانبياء، لا نورث وما تركناه صدقه" استناد کرد». (چلونگر وعباسی، ۱۳۹۶: ۱۳۱)

حسنى مفصل ترین تحلیل را در این زمینه ارائه داده واز صفحه ۳۵۴ - ۳۴۷ کتاب تاریخ اسلام خود را به بحث ارثیه فدک، نگرش سیاسی و اقتصادی، ولایت علی(ع) و نظریه هزار دانشمند و فقیه اهل سنت به فدک اختصاص داده است، چلونگر وعباسی نیز با ذکر ۱۳ دلیل متقن روایت ابوبکر و نظریه اهل تسنن در این زمینه را غیر قابل قبول و مردود دانسته است.

نگرش سیاسی

برخی از پژوهشگران تاریخ اسلام با نگاهی سیاسی موضوع فدک را مورد بررسی قرار داده و آوردن روایات از سوی ابوبکر را وسیله ای جهت بهره برداری سیاسی و دینی می دانند. غصب فدک از سوی خلیفه در واقع نمادی از غصب حق خلافت خاندان پیامبر(ص) و به منظور درهم شکستن پشتوانه ولایت بود. موضوع فدک به دلیل همزمانی با سقیفه و خلافت از توجه و حساسیت ویژه ای در میان مسلمانان برخوردار بود و از لحاظ سیاسی و اقتصادی به هم گره خورد، به طوری که تنها راهی که در مقابل خلیفه بود، تمسک به روایات و نپذیرفتن شهادت شاهدان مورد اعتماد جامعه اسلامی بود. فاطمه(س) در اولین خطبه ای که بعد از جریان سقیفه بنی ساعده برای غصب فدک در مسجد مدینه و دفاع از حضرت علی(ع) ایراد فرموده اند، بین افکار و اعتقادی که باعث بوجود آمدن سقیفه شدند، تفکر و راه اهل بیت(ع) اشاره نمود و با انحراف ایجاد شده برخورد کرد.

هدف حضرت زهرا(س) از بازپس گیری فدک، تنها گرفتن یک ملک یا زمین نبود همچنان که در خطبه فدکیه فاطمه تنها به بحث فدک نمی پردازد و علاوه بر غصب فدک به غصب خلافت نیز اشاره دارد. جعفر شهیدی با اشاره به خطبه فدکیه می نویسد: «پس از بی نتیجه ماندن دادخواهی، فاطمه(س) نزد ابوبکر به مسجد پیامبر(ص) رفت و خطبه ای را جهت روشن کردن ماجرا و بازپس

گرفتن فدک، در جمع صحابه خواند. فاطمه در این سخنرانی که به خطبه فدکیه مشهور است از غصب خلافت گفت و سخن ابوبکر (نحن معاشر الانبیاء، لاتورث و ماتر کنه صدقه) را تکذیب کرد». (شهیدی، ۱۳۶۲: ۱۳۵)

رسول جعفریان نیز از منظر سیاسی به موضوع فدک پرداخته است: «در این نکته هیچ جای تردید نیست که به دلیل حق کُشی هایی که در جریان میراث پیامبر(ص)، مسأله فدک و قضیه امامت انجام شد، فاطمه زهرا (س) نسبت به ابوبکر و عمر خشمگین شد و بدون آن که از آنان راضی شود از دنیا رفت». (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۷) هر دو مسأله فدک و امامت که پس از رسول خدا (ص) رخ داد در واقع با توجه به اسناد تاریخی نوعی حق کُشی قلمداد می شود. نصیری با توجه به ابعاد سیاسی و مادی فدک می نویسد: «اگرچه بی تفاوتی و سکوت فاطمه (س) در قبال آن ظلم نیز صحیح نبود، لیکن مسأله، مربوط می شود به از دست رفتن مقام رهبری مسلمانان و به دنبال آن صدها هزار بدبختی دیگری که دامنه آن تا به امروز کشیده شده و گریبا نگیر جامعه مسلمانان گردیده است. مسأله تصرف فدک و اموال دیگر رسول خدا (ص) بهترین وسیله ای بود که دشمن می توانست از آن بهره برداری مادی و سیاسی و روانی کند و فاطمه (س) از این مسأله برای باز کردن راه، انحرافی را که در اسلام و مقام رهبری آن پدید آمده بود و به مردم گوشزد کرده و نیز انحراف قانونگذاران و غاصبان خلافت و پایبند نبودن آنان به قرآن و اسلام اثبات کند». (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۴۱-۱۴۰) حسنی در کتاب تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، فدک را به عنوان یک موضوع اقتصادی و سیاسی تحلیل کرده، می نویسد: «پیامبر (ص) می خواست به امت اسلامی نشان دهد که خیلی ساده و خوشبین نبوده و بر این باور نباشند که یاران پیامبر و سران خلافت برخلاف دستور پیامبر رفتار نمی کنند و هرگز علیرغم نص صریح پیامبر(ص) در باره خلافت علی(ع)، خود را داوطلب خلافت نخواهند کرد، بلکه باید بدانند که اینان حتی از ملک شخصی و میراث پیامبر و حق مسلم اهل بیت یعنی فدک بخشیده شده به زهرا (س) هم صرف نظر نمی کنند تا چه رسد به مسأله خلافت و مخالفت با نصوص مربوط به آن». (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۷) این کار پیامدهای سیاسی فراوانی در میان مسلمانان داشت. در این زمان مسجد به عنوان مرکز دادرسی در جامعه اسلامی بشمار می رفت، لذا دختر پیامبر(ص) برای گرفتن حق خود به مسجد رفت ولی با توجه به احادیث ارائه شده توسط ابوبکر و برخورد جدی دستگاه خلافت با فاطمه (س) ظاهراً نتیجه ای نگرفت. دقیقاً "از این زمان بود که اهل بیت پیامبر(ص) در برخورد خود با دستگاه خلافت تجدید نظر نمودند.

پس از رحلت رسول خدا(ص)، مسلمین که با ابوبکر بیعت کرده بودند تا حدود زیادی تحت تأثیر پیش و روش خلیفه قرار گرفتند، بطوری که از منابع برمی آید فریاد اعتراض آن چنانی از سوی صحابه، که بگوش امت اسلام برسد، در این زمان شنیده نمی شود و این امر حاکی از اعتماد نسبتاً زیاد مردم به خلیفه بود، زیرا در این زمان تقریباً "فاطمه(س) به تنهایی در مقابل دستگاه خلافت ایستاد و خواستار گرفتن ارثیه خودش.

نگرش اقتصادی

پس از رحلت پیامبر (ص)، خلیفه اول در وهله اول به علت کوتاه کردن دست خاندان رسول خدا(ص) از خلافت مسلمین و عدم بهره برداری مالی اهل بیت(ع) از فدک در پوشش نیازهای مالی و تامین هزینه سپاه خلافت، حق فاطمه(س) را، غصب نمود و فدک را از او گرفت.

اهل سنت و جماعت این اقدام خلیفه راناشی از مشکلات اقتصادی دانسته اند. به دلیل این که در این مقاله جای بحث آن نیست، فقط می توان گفت که نویسندگانی چون حسنی، چلونگر و عباسی در کتاب های تاریخ اسلام خود به نقد و رد این دیدگاه پرداخته اند.

فدک مزرعه ای دور افتاده و کم ثمر نبود بلکه بر اساس شواهد تاریخی منبع اقتصادی مهمی بوده است و به اندازه ای وسعت و در آمد داشت که مالک آن می توانست مشکلات مالی خود و اطرافیان را بر طرف کند. این مهم نیز از نظر پژوهشگران تاریخ دور نمانده است. حسنی به این موضوع اشاره کرده است: " قسمتی از اراضی آن برای کشاورزی آماده ، حاصلخیز بوده و بقیه آن را همچون، باغستانهای خرمای کوفه در قرن ششم هجری تخمین زده اند". (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۷)

از آنجا که درآمد فدک به مصرف عمومی می رسید و پیامبر(ص) به حکم آیه: «وَدَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» آن را به عنوان ملک در اختیار فاطمه(س) و اهل بیت (ع) قرار داد تا صرف کمک به فقرای بنی هاشم و سایر هزینه های اهل بیت(ع) شود. لذا بر طبق نظر گروهی از پژوهشگران خلیفه با آگاهی از این موضوع کمک مالی را از اهل بیت(ع) دریغ نمود و چون در ابتدای خلافت ابوبکر مشکلات سیاسی و اقتصادی گریبان دستگاه خلافت را گرفته بود، لذا ابوبکر با کمک مشاوران و دست اندر کاران وقت ، مانند عمر به این نتیجه رسید که برای اداره جامعه اسلامی و حل مشکلات مالی و نظامی می تواند از اموال اطرافیان پیامبر اسلام(ص) استفاده کند. ابوبکر را از این که فدک را به زهر(س) بسپارد بازداشت، زیرا دارایی عمومی حکومت اندک بود و با توجه به تهدیدهایی چون جنگ های مرتدان و

ظریفه: بازتاب فدک در کتاب های تاریخ اسلام ایران (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ ه.ش) / ۱۰۷

قیام‌های شورشیان به تقویت نیاز داشت. (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۶) روشن است که، وقتی می‌توان درآمد زمینی را برای تقویت بودجه حکومت در بحران‌هایی همچون شورش‌ها و نبردهای داخلی به کار گرفت، حتماً آن زمین دارای درآمد فراوانی بوده است.

برخی از پژوهشگران با اشاره به برخورد پایان عمر ابوبکر با فاطمه (س) و اظهار پشیمانی از آن، هدف از غصب فدک را بهبود شرایط مالی مسلمانان بیان کرده‌اند. «عمر در یک سخنرانی و در ملاقاتی که خلیفه برای عذرخواهی به نزد وی رفته بود، اعلام ناراضی‌ت شدیدی خود را از رفتار خلیفه عنوان کرد». (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۷/۲۶۵) گرچه این مطلب از سوی گروهی دیگر از پژوهشگران مورد انتقاد قرار گرفته است و آن را توجیه برخورد خلیفه اول با اهل بیت (ع) می‌دانند. بهای مادی فدک را با ارائه دلایل متعدد قابل توجه دانسته‌اند:

۱ - این بخشش پشتوانه ای مالی بود برای حکومت علی (ع)، در برابر عمال مخالفان و خلافت مغضوب.

۲- وقتی خلیفه اول با فاطمه (س) درباره ی فدک بحث می کند، می نویسد: فدک به پیامبر (ص) اختصاص نداشت بلکه جزء اموال مسلمانان بود که پیامبر (ص) آن را برای سرکوب مهاجمان، و انفاق در راه خدا مصرف می نمود، و می دانیم که سرکوب دشمنان مهاجم، تنها به وسیله ی بودجه ی مهمی امکان دارد که مخارج لشکری را تأمین کند.

۳- «فدک قریه ای بود که، تامدینه حدود ۱۶۰ کیلومتر فاصله داشت و شامل دو قسمت مزروعی و نخلستان بود. و طبق نقل یاقوت حموی در معجم البلدان و ابن ابی الحدید، درختان خرما ی آن با درختان خرما ی شهر کوفه در قرن ششم برابری می کرد و آن را «حوایط هفتگانه (باغهای هفتگانه)» می نامیدند». (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۷)

سرانجام فدک به دست کسی افتاد، که پیامبر خدا نظر مثبتی نسبت به او نداشت. نیشابوری یکی از پژوهشگران معاصر در مورد اقدام عثمان در واگذاری فدک می نویسد: «دیری نگذشت که به جای حکم، ابوذر را بعد از ضرب و شتم بسیار تبعید کرد. از سوی دیگر صد هزار درهم از اموال مسلمین را به حکم داد. همچنین خمس افریقیه را که صد هزار دینار بود و همه مسلمین در آن شریک بودند، یا فدک به مروان داد و نیز مروان را برای وزارت و کتابت اسرار خود انتخاب کرد و حال اینکه پیامبر (ص) مروان و حکم را بارها لعنت فرموده بود». (نیشابوری، ۱۳۸۴: ۲۳۲) خلیفه سوم نیز، مانند خلفای قبلی سیاست آنان را دنبال کرد و بدون توجه به سابقه افراد در تاریخ اسلام به راحتی اموال

مسلمانان رابه دیگران واگذار می نمود و صحابه نزدیک پیامبر خدا(ص)راکه درراه اسلام جا نشسانی نموده بودند، را نه تنها نادیده گرفت بلکه مورد ضرب و شتم نیز قرار داد.

در طول دویست سال پس از این واقعه ، فدک چندبار دست به دست گشته است. عثمان آن را تیول مروان بن حکم کرد، و بقولی معاویه آن را تیول مروان ساخت. همچنان تا پایان حکومت امویان این مزرعه در دست آنان بود. چون عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، گفت: فدک از آن پیغمبر (ص) بود. خود به قدر نیاز برمی داشت ومانده را به مستمندان بنی هاشم می بخشید.(شهیدی، ۱۳۶۲: ۴۲)

سرانجام فدک

نکته ی اصلی این است که فدک به عنوان یک مسأله، درنظر جامعه ی اسلامی و زمامدارنش، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و سرنوشت آن به نحوه سیاست زمامداران و جهت گیری آنان نسبت به خاندان نبوت، ارتباط مستقیم داشته است. بدین معنی که خلیفه، هرگاه از استقامت رأی واعتدال نظر برخوردار بوده فدک را به فاطمیان می سپرده، درغیر این صورت باز گرفتن فدک، در صدر کارهای خلیفه زمان، قرار می گرفته است.

بحث سقیفه و خلافت مسلمانان و طرفداری تمام عیار عمر از ابوبکر در جریان سقیفه و بقدرت رسیدن ابوبکر تا حدود زیادی تلاش های دختر پیامبر خدا (ص)را بی نتیجه گذاشت. .

در زمان خلافت علی (ع) منتظر بودند که علی (ع)، با صدور حکمی فدک را که متعلق به همسرش بود بازستاند اما او این کار را نکرد. حسنی در مورد برخورد امام علی (ع) با قضیه فدک پس از خلافت می گوید: «اودر نامه ای که برای عثمان بن حنیف نوشته، معلوم می سازد که حضرت قصد گرفتن فدک را ندارد، آن حضرت در این نامه نوشته، «بَلَى كَأَن تَفِي أَيُّدِينَا فَدَكٌ مِّنْ كُلِّ مَا أَظَلَّتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ وَ نِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ». یعنی «از تمام آنچه آسمان به آن سایه افکنده است، تنها فدک در دست ما بود، آن هم به فرمان حرص و خست، به چنگ تجاوزگروهی فروافتاد، و ما هم به ناچار از آن چشم پوشیدیم». (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۴۶)

علی(ع)پس از خلافت با اینکه توانایی تملک فدک را داشت، به علت شرایط خاص حاکم بر جامعه اسلامی این کار را انجام نداد، تا با اعتراض مخالفان مواجه نشود.

عمر بن عبدالعزیز در واقع جزء آن دسته از خلفایی بود که در زمان او تاحدودی نسبت به اهل بیت (ع) توجه می شد و شخصیتی منحصر بفرد در بین امویان به شمار می رفت. پس از عمر بن عبدالعزیز، مأمون خلیفه عباسی نیز این کار را انجام داد و فدک را به خاندان پیامبر خدا (ص) بازگرداند. (حسنی، ۱۳۸۳: ۳۵۴) در زمان امویان و عباسیان نیز در این دست به دست شدنهای فدک اهداف سیاسی و مالی نهفته بود.

در دوره عباسی نیز این روند ادامه یافت و فدک بعنوان اهرمی در دست دستگاه خلافت جهت کنترل اهل بیت (ع) بود. به مرور زمان فدک از لحاظ سیاسی و روانی در نزد شیعیان آنقدر ارزشمند شد که، زمانی که فدک در دوران مأمون به خاندان فاطمی بازگردانده شد، شاعران نیز در این زمینه شعر می سرودند تا رضایت خود را از این واقعه فرخنده نشان دهند.

در تبادل فدک، میان خلفا و فرزندان حضرت زهرا (س)، دو نکته بسیار مهم وجود دارد:

- اول اینکه بسیاری از خلفا، نظر خلیفه اول و دوم را که می گفتند: پیامبر ارث نگذاشته و هر چه از ایشان برجای مانده صدقه است، قبول نداشتند، در این حال بازگرداندن فدک به فرزندان حضرت زهرا (س) در حقیقت رد حدیثی است که ابوبکر به پیامبر (ص) نسبت داده است.

- دوم اینکه در تمامی مواردی که خلفا فدک را به ذراری (اولاد) حضرت فاطمه زهرا (س) واگذار نمودند، یک نکته ظریف نهفته بود و آن این که هرگز فدک به هیچ یک از ائمه اطهار (ع) تحویل نشد. در بازگرداندن فدک هرگز وارث حقیقی فاطمه (س)، که امامان معصوم (ع) بودند، مورد توجه قرار نگرفتند؛ یعنی بازگرداندن فدک را هم نوعی کار سیاسی می توان محسوب کرد. در پشت پرده این نقل و انتقال ها هدف خلافت بیشتر از همه سیاسی کاری و منزوی کردن اهل بیت (ع) در جامعه ی اسلامی بود.

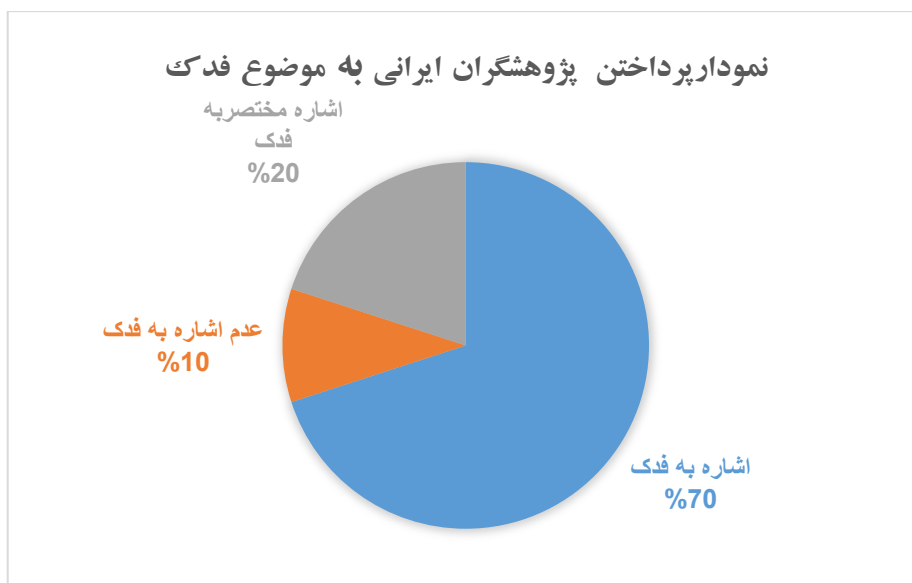
بررسی اجمالی تاریخ پریشان فدک، نشان می دهد که در طول این سال های دراز، خط و قاعده ی صحیح و مشخصی بر آن حاکم نبوده، و به اقتضای تمایلات و سیاستهای وقت دست به دست، می گشت .

لازم به ذکر است، برخی از کتاب های تاریخ اسلام بحث فدک را مسکوت گذاشته و یا به صورت گذرا و گاهی سربسته به آن اشاره کرده اند. آئینه وند، زرگری نژاد و سبحانی از این جمله اند. آئینه وند رحلت حضرت فاطمه (س) را بدون بررسی فدک در دوران خلافت ابوبکر آورده است: «سرانجام سرور جهان در اندک زمانی پس از رحلت نبی خاتم در حالی که از هجران پدر و مهجور ماندن اهل

بیت(ع) پریشان بود، مظلومانه به دیدار حق شتافت و با وصیتش به علی(ع) که او را شبانه غسل دهد و شبانه به خاک بسپارد، نانوشته های تاریخ را برای همیشه فریاد زد. «(آئینه وند، ۱۳۸۴: ۴/۱۲۸)

زرگری نژاد نیز هنگامی که به بحث سقیفه و اتفاقات پس از آن می رسد، از دفاعیات فاطمه(س) گذرا عبور می کند. « یک روز پس از بیعت سقیفه، امام علی(ع) به مسجد کشانده شده بود و از بیعت امتناع کرد و خلافت را حق انکارناپذیر خویش شمرد. بدنبال مقاومت علی(ع) فاطمه(س) دختر پیامبر نیز در دفاع از حق علی(ع) پیاپی خواست، اما تمام کوششهای وی نیز بی پاسخ ماند.» (زرگری نژاد، ۱۳۹۶: ۷۳)

جعفر سبحانی در بیان حوادث تاریخی را از آغاز تا پایان حکومت علی(ع) اودوران خلافت ابوبکر را از سقیفه آغاز و با بحث ارتداد و حرکت سپاه اسامه به پایان می رساند. این دسته از نویسندگان با اشاره به اوضاع زمانه ی پس از پیامبر(ص) بصورت گذرا شرایط سیاسی و اجتماعی این زمان را به تصویر کشیده اند و قضاوت در مورد حوادث تاریخی را به عهده خوانندگان گذاشته اند.



نتیجه

موضوع فدک در کتاب های تاریخ اسلام که در طول چهار دهه بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ توسط پژوهشگران ایرانی به رشته تحریر در آمده است به میزان ۹۰ درصد بازتاب یافته است ، که ۷۰ درصد به تفصیل و ۲۰ درصد از کتاب ها مورد بررسی به صورت گذار به این موضوع پرداخته اند و تنها ده درصد از نویسندگان پیرامون فدک مطلبی ننگاشته اند. فراوانی موارد بحث فدک به میزان نود درصد بیانگر آن است که این موضوع نزد پژوهشگران اهمیت داشته است و لذا از ابعاد مختلف آن را بررسی کرده اند.

در بیشتر کتاب های تاریخ اسلام موضوع فدک از دو دیدگاه سیاسی و اقتصادی به طور توأمان مورد توجه قرار گرفته است و تاکید بر موروثی بودن این زمین از محوری ترین مباحثی است که در کتاب های تاریخ اسلام بازتاب یافته است .

. در دیدگاه سیاسی ، مباحث غصب حکومت ، محرومیت علی (ع) از خلافت ، ولایت خاندان پیامبر (ص) مطرح گردیده است و در بعد اقتصادی در آمد فدک و نقش آن در اداره امورات شیعیان و علویان مورد توجه قرار داده شده است . هم چنین در کتاب های تاریخ اسلام دلایلی در زمینه موروثی بودن زمین فدک و بی اعتباری ادعای ابوبکر ارائه شده و با استناد به نحوه فتح آن ، گواهی شاهدان بر نخله بودن فدک و هدیه بودن آن، هم چنین استناد به آیات قرآن حق حضرت فاطمه (س) در مالکیت این زمین اثبات شده است. به سرانجام فدک و وضعیت آن در ادوار بعد تا پایان دوره خلفای اموی و عباسی نیز اشاراتی رفته است.

منابع و مآخذ

کتاب ها

۱. قرآن

۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، (۱۳۷۵)، *زندگانی محمد (ص)*، (ترجمه هاشم رسولی)، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کتابچی

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، *فتوح البلدان*، (ترجمه محمد توکل)، جلد اول، تهران، نشر نقره.

۴. پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۲)، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

۵. جعفریان، رسول، (۱۳۸۲)، *تاریخ سیاسی اسلام*، تاریخ خلفا، چاپ دوم، قم، دلیل ما

۶. جعفری، یعقوب، (۱۳۹۱)، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، چاپ ششم، قم، دفتر نشر معارف

۷. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۴)، *تاریخ اسلام زیر نظر صادق آئینه وند*، چاپ چهارم، قم، دفتر نشر معارف

۸. چلونگر، محمدعلی و عباسی، (۱۳۹۶)، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، تهران، هزاره ققنوس

۹. حسنی، علی اکبر، (۱۳۸۳)، *تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام*، چاپ هشتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۰. حسینی میلانی، علی، (۱۳۸۶)، *فدک در فراز و نشیب*، قم، ناشر چاپی الحقایق، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۱۱. رضایی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، *تاریخ اسلام از وفات پیامبر اکرم تا سقوط بنی امیه*، تهران، ناشر چاپی مشعر، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۱۲- زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۹۶)، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات سمت

۱۳. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۸)، *تاریخ اسلام زندگانی پیامبر اسلام (ص)*، قم، امام عصر

۱۴. سیدعلوی، میرابراهیم، (۱۳۹۰)، *تاریخ توصیفی - تحلیلی صدر اسلام*، قم، دفتر نشر معارف

ظریفه: بازتاب فدک در کتاب های تاریخ اسلام ایران (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ ه.ش) / ۱۱۳

۱۵. شهیدی، سید جعفر، (۱۳۶۲)، *زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۱۶. صدر، محمدباقر، (۱۳۶۶) *فدک در تاریخ (ترجمه محمود عابدی)*، تهران، بنیاد بعثت، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۱۷. طبری، محمدبن جریر، (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، (ترجمه ابوالقاسم پاینده)، جلد چهارم، چاپ پنجم، تهران، اساطیر

۱۸. واقدی، محمدبن عمر، (۱۳۶۹)، *المغازی*، (ترجمه محمود مهدوی)، جلد دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاه

۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱)، *زهرا (س) برترین بانوی جهان*، چاپ دهم، تهران، انتشارات سرور

۲۰. منتظرالقائم، اصغر، (۱۳۹۴)، *تاریخ اسلام (از آغاز تا سال چهارم هجری)*، چاپ هفتم، اصفهان، انتشارات سمت

۲۱. نصیری رضی، محمد، (۱۳۷۹)، *تاریخ تحلیلی اسلام*، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

۲۲. نیشابوری، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، *تقویم شیعیه*، چاپ دوم، بی جا، موسسه احیاء تراث الشیعی، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

۲۳. یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، جلد چهارم، بیروت، انتشارات دار صادر

۲۴. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب ابن واضح، (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، (ترجمه محمد ابراهیم آیتی)، جلد ۲، تهران، انتشارات علمی فرهنگی

مقالات

۱. ژیان، فاطمه، (۱۳۹۸) «*واکاوی اعتبارسنجی خطبه فدکیه در سنجه معیارهای فریقین*»، حدیث، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۳۴-۵

۲. صیادی نژاد، روح الله، حسینی باصری، سید کاظم، (۱۳۹۷) «*تحلیل گزاره های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه سول*»، علمی پژوهشی، شماره ۶۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۶۶-۱۳۷

۳. روشنفکر، کبری، اکبری زاده، فاطمه، (۱۳۹۰) «*تحلیل گفتمان انتقادی خطبه فدک حضرت زهرا (س)*»، منبهاج، شماره ۱۲، دوره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۵-۱۲۵

Representation of Fadak Event in the Books on the History of Islam (from 1980 Till 2019)

Zarifeh Mir¹, Farinaz Hooshyar², Soheyla Torabi Farsani³

Abstract

Fadak was a plot of fertile land with many springs which was willfully given to the Prophet Mohammad by the Jews upon their defeat in Khaibar Battle and based on a peace treaty at that time. Fadak was seized without war and hence half of its revenues were considered a private property of the Prophet, which was then disposed of by his daughter Fatimah until his death. However, after the Prophet's death, Abu Bakr refrained from transferring the land to her, and so arguments arose over the ownership of Fadak. By reviewing different books on the history of Islam published in Iran, and by using a descriptive-analytical method, this study set out to analyze how such scholars have viewed and represented this topic in their own books. The results of the study revealed that Fadak has not been mentioned in only 10% of such books. It has been discussed in details in 70% of the scholarly works, and discussed briefly in 20% of them. Shiite, political, economic, and Fatimah's rightful ownership approaches have been used in the books on the history of Islam published in Iran from 1980 till 2019.

¹-Ph.D. student of Islamic of History, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, , Iran

² -Assistant Professor Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, , Iran

³-Associate Professor Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, , Iran

ظریفه: بازتاب فدک در کتاب های تاریخ اسلام ایران (از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷ ه.ش) / ۱۱۵

Keywords: Fadak, Iranian historiographers, Islam, Rashidun Caliphates, Fatimah.